ع‌ش

جناب میرزا ابوالفضل الّذی فاز بالعنایة الکبری من لدی اللّه مولی الوری

بنام یکتا خداوند بیهمتا

حمد و ثنا متغمّسین بحر تجرید را لایق و سزا که در ظلمت ایّام و اعتساف انام و احزان وارده و هموم و غموم نازله از توجّه ببحر احدیّه و شمس ابدیّه محروم نماندند سبحات اسماء ایشان را از مالک اشیاء منع ننمود اسماء را گذاردند و ببحر معانی توجّه نمودند انّهم عباد شربوا باسمی القیّوم رحیقی المختوم ما سوی اللّه در نظرشان بمثابهٴ کفّی تراب و قبضه‌ئی رماد بوده و هست باسم از مالک آن محروم نشدند باستقامتی بر امر قیام نموده‌اند که فرائص معرضین بیان از آن مضطرب جلّت قدرته و جلّت عظمته و لا اله غیره

یا ایّها النّاظر الی افقی و النّاشر لوآء نصرتی بالحکمة و البیان اشهد انّک اردت الاصلاح فی کلّ الأحوال و نصحت العباد بالبرّ و الفلاح طوبی لک و لمن احبّک لوجهی و سمع قولک فی امری نسأل اللّه تبارک و تعالی ان یمدّک بجنود الغیب و الشّهادة انّه ولیّ المحسنین قد سبقت رحمته و احاطت عنایته طوبی لمنصف انصف فی امره و لعادل نطق بالعدل فیما ظهر من عنده

یا اباالفضل علیک بهائی و عنایتی و رحمتی آنچه در آن ارض واقع شد معلوم و مشهود تبارک الّذی منع اصفیائه عن الفساد و البغی و الفحشآء و امرهم بالبرّ و الصّلاح و التّقوی للّه الحمد در سبیلش کشته شدید و نکشتید اولیا را در جمیع احوال بسکون و اطمینان و اصلاح امور عباد و تهذیب نفوس و امانت و دیانت و عصمت و عفّت وصیّت نما انّا کنّا معک فی الهآء و المیم و فاز عملک فیها بعزّ قبولی و شرف رضائی و فی ارض الیآء بما ینبغی لک فی امر ربّک الملهم المشفق الأمین

بگو ای عباد براستی گفته میشود و براستی بشنوید حقّ جلّ شأنه ناظر بقلوب عباد بوده و هست و دون آن از برّ و بحر و زخارف و الوان کل را بملوک و سلاطین و امرا واگذارده چه که لازال علم یفعل ما یشآء امام ظهور بازغ و ساطع و متلألئ آنچه امروز لازمست اطاعت حکومت و تمسّک بحکمت فی‌الحقیقه زمام حفظ و راحت و اطمینان در ظاهر در قبضهٴ اقتدار حکومت است حقّ چنین خواسته و چنین مقدّر فرموده قسم بآفتاب راستی که از افق سماء سجن اعظم مشرق و لائحست یک نفس از مأمورین دولت از یک فوج ارباب عمائم عنداللّه اقدم و افضل و ارحم است چه که این نفس در لیالی و ایّام بخدمتی مأمور است که آسایش و راحت عباد در اوست ولکن آن فوج در لیالی و ایّام در فساد و رد و سب و قتل و تاراج مشغولند مدّتیست که در ایران حضرت سلطان ایّده اللّه تبارک و تعالی این مظلومهای عالم را از شرّ آن نفوس حفظ نموده و مینماید مع‌ذلک آرام نگرفته‌اند هر یوم شورشی برپا و غوغائی ظاهر امید هست که یکی از ملوک لوجه اللّه بر نصرت این حزب مظلوم قیام نماید و بذکر ابدی و ثناء سرمدی فائز شود قد کتب اللّه علی هذا الحزب نصرة من نصرهم و خدمته و الوفآء بعهده باید این حزب در جمیع احوال بر خدمت ناصر قیام نمایند و لازال بحبل وفا متمسّک باشند طوبی لمن سمع و عمل و ویل للتّارکین

یا قلم دع الأذکار متوکّلاً علی اللّه المهیمن القیّوم ثمّ اذکر من صعد الی الرّفیق الأعلی بالوجهة الحمرآء و اشتعل بنار العشق فی مدینة العشق و قل

اوّل نفحة فاحت من مسک المعانی و البیان علیک یا من انفقت روحک فی سبیل الرّحمن اشهد انّک نبذت الأوهام و اقبلت بنور الیقین الی مشرق الالهام و اجتذبک جذب النّدآء الی الأفق الأعلی فی ایّام فیها اشتعلت نار البغضآء فی صدور الّذین نبذوا التّقوی و انکروا حجّة اللّه مولی الوری و ربّ العرش و الثّری اسألک یا مقصود العالم بهذا الدّم الّذی سفک فی حبّک ان تغفر عبادک الّذین وفوا بعهدک و میثاقک و اعترفوا بما انزلت فی کتابک المبین الحمد لک یا اله العالمین

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۵ مه ۲۰۲۴، ساعت ۰۰:۱۱ قبل از ظهر